گرفته شده از روزنامه « پیام ما آزدگان» شماره بیست و چهارم

آیا شما با همسرتان « نکاح » می کنید و یا پیمان زناشویی دائم می بندید؟

پس از بیش از ۱۴۰۰ سال که از تازش ویرانگر تازیان به کشور و فرهنگ ما می گذرد، هنوز ما به آداب و رسوم خرافی آنها آلوده بوده و ناآگاهانه بدون این که توجه داشته باشیم در انجام بسیاری از مراسم خانوادگی و اجتماعی خود ، مفاهیمی را به زبان تازی در مغز وارد و بر زبان می اوریم که فرهنگ و ادب ما هیچگاه به ما اجازه نخواهد داد، آنها را به زبان فارسی بر زبان جاری سازیم.

بدیهی است که تازش دوم تازیگری که با شورش آخوندیسم در کشور ما آغاز شد، ادامه این کار را توان تازه ای بخشید و وجود اختناق و ستمدینی در داخل کشور به هم میهنان ما اجازه نمی دهد تا به گندزدایی فرهنگ تابناک ایرانی از تازش زبانها و فرهنگهای خارجی بپردازد، ولی ما افرادی نیز که در کشورهای آزاد بسر می بریم نیز هیچگاه بر آن نشده ایم که در این راه گامی برداشته و همچنان چشمهای خود را به روی واقعیات بسته نگهداشته و به نقاله های آخوندهایی که از کشور خارج شده اند، اجازه میدهیم، با اجرای برخی از آداب و رسوم زندگی ما به زبان تازی، همچنان ما را به زندان تاریک خرافات پ نادانی ها در بند نگهدارند. یکی از نمونه های بارز این فراخواست(ادعا)، اجرای مراسم ازدواج است.

در هنگام ازدواج باید عروس بگوید:
« انکحتک و زوجتک نفسی الی صداق المعلوم»

مفهوم و ترجمه فارسی این جمله آنست که من خود را در برابر مقدار معینی پول به گاییدن میدهم، طرف مقابل باید بگوید:
«قبلتو» یعنی پذیرش میکنم گایش را. پیشنهاد نخست را ایجاب و پذیرش را قبول می گویند.
بدیهی است که ترتیب ایجاب و قبول و پس و پیش شدن آنها مانعی ندارد.
شما خواننده گران ارج، به یقین از واژه «گاییدن» و همچنین از این که ما این واژه را به کار برده ایم، ناراحت و شرمگین شده اید. هرگاه چنین است، به دنباله گفتگو نیز توجه فرمایید.

واژه « انکحتک» از ریشه « نکح» و «نکاح» گرفته شده است. هرگاه ما مفهوم و ترجمه واژه «نکاح» را از فرهنگهای گوناگون برایتان نقل میکردیم، ممکن بود این گمان برایتان ایجاد شود که ما در نقل مطلب تحریف و تصرف به عمل آورده ایم. از این رو ما برای اثبات فراخواست خود درباره مفهوم واژه « نکاح» به نقل تصویر تعریف و تفسیری که هشت فرهنگ بسیار مشهور و معتبر عربی به عربی، انگلیسی به عربی، عربی به انگلیسی، و فارسی به فارسی کرده اند، می پردازیم.

فرهنگ لغت عربی به عربی، « التوقیف علی مهمات التعاریف» تالیف الشیخ الامام، عبدالروف بن المناری، در صفحه ۳۳۰ واژه « نکاح» را چنین تعریف و تفسیر کرده است:

النکاح: ایلاج ذکر فی فرج لیصیر یذلک کالشی الواحد

فرهنگ لغت عربی به عربی «التعریفات» تالیف علامه علی بن محمد الجرجانی، در صفحه ۲۵۵ واژه « نکاح متعه» را چنین تعریف کرده است:

نکاح المتعه: وهو ان یقول الرجل لامراته خذی هذه العشره امتع بک مده معلومه فقبلته

فرهنگ لغت انگلیس به عربی « An English Arabic Lexicon» تالیف « George Badger» در صفحه ۱۸۳، درباره مفهوم واژه « Copulation» در زبان عربی چنین نوشته است:

تناکح - جامع : Sexually copulate, V.I. To unite

فرهنگ عربی به انگلیسی « قاموس اللهجه المصریه» تالیف سقراط سیبرو در صفحه ۶۱۴ ، واژه نکاح را چنین معنی کرده است:

Mankoh, حوکـنم To copulate, mankah(jikah) copulate
(ینکح)، نکح، نکاح، Copulation, nikah

و اما فرهنگ مشهور و معتبر دهخدا در جلد «ن» صفحه ۲۷۰ واژه نکاح را ضمن سایر معانی «بغل خوابی» و در صفحه ۷۲۱ همان جلد « نکاح متعه» را از فرهنگ منتهی الارب برداشت کرده و آن را آشکارا « گاییدن» معنی کرده و فرهنگهای لغت « تاج المصادر» و « زوزنی» واژه نکاح را «جماع کردن» تعریف کرده اند.

ما به راستی از ترجمه کردن این تعریفات به زبان فارسی شرم داریم و به همان دلیل میز از ترجمه فرهنگهای عربی بالا به زبان فارسی خودداری میکنیم و تنها به چند نکته اشاره مینمایم.

یکی این که واژه «Copulation» در زبان انگلیس نکاح، جماع کردن در زبان عربی و گاییدن در زبان فارسی، همه دارای یک مفهوم می باشند. دیگر اینکه کلمات به کار رفته در فرهنگ « التوقیف علی مهمات التعاریف» دارای ترجمه زیر می باشند که ما از برگردان تمام جمله به زبان فارسی پوزش می خواهیم و معنی کلمات آن را جدا جدا در زیر می آوریم تا رعایت ادب را در نوشتار کرده و از زهر زشتی جمله بکاهیم.

ایلاج = وارد کردن؛ ذکر= الت تناسلی مرد؛ فی = در؛ فرج = آلت تناسلی زن؛ لیصر = برای این که بشود؛ کالشی الواحد = یک چشم واحد

ترجمه فارسی تعریف « نکاح متعه» در فرهنگ « التعرفات» نیز بدین شرح است:
« نکاح متعه یعنی این که مرد به زنی بگوید، این پول را بگیر و برای مدت معینی خود را در اختیار من بگذار.»

اکنون ما از هم میهنان گران ارج خود پرسش میکنیم، آیا درست است که ارباب دانش، خرد، ادب، فرهنگ و سایر افراد آگاه ساکت بمانند و اجازه دهند، این واژه ها و عبارات رکیکی که به فرهنگ و ادب ما ایرانیان تازش کرده و این چنین آنها را دگردیس نموده، کماکان در فرهنگ ما باقی بماند؟؟ آیا این وظیفه هر ایرانی روشنگر و میهن خواهی نیست که از هم میهنانش درخواست کند، نگذارند افراد شیخ صفت، عمامه نهاد و مفتخور در جشن و شادی پیوند زناشویی انها چنین مفاهیم زشت و رکیکی را به زبانی که ما معنی و مفهومش را نمی فهمیم برایمان بخوانند و برابر آن مبلغ قابل توجهی پول ستانی کنند؟

آیا این شایسته یک بانوی ایرانی است که در هنگام پیمان زناشویی اعتراف کند که به نکاح با آن همه مفاهیم زشتی که دارد و در بالا شرح دادیم تن در میدهد تا در برابر آن « صداق المعلوم» یعنی مبلغ معینی پول کسب کند و نه این که یک زندگی زناشویی و خانوادگی خجسته و سعادت فرجامی را به همسرش آغاز نماید؟

افزون بر همه مطالب بالا در زبان فقها «صداق» و یا مهریه ای که در هنگام نکاح به زن داده میشود، « حق البضع» نامیده میشود که امیدوام که خوانندگان گران ارج، ما را از برگردان این عبارت به سبب زشتی آن بخشوده و خود مفهوم انرا پژوهش کنند.

نکته دیگر این که اخوندها ی داخل کشور و خرده آخوندهای خارج از کشور برای پول ستانی و گرم نگهداشتن تنور مفتخوریهای خود می گویند، عقد ازدواج باید اسلامی و بوسیله آخوندها انجام گید. بدیهی است که عمل زناشویی که پیوند دیدن زن و مرد بوده و زن و مرد در هنگام پیمان زناشویی باید نسبت به دیکدیگر تعهد کنند که یک زندگی مشترک و سعادت فرجام را آغاز و تا پایان عمر ادامه دهند و نه این که بر پایه مفهوم عباراتی که اخوندها و خرده آخوندها به زبان تازی میخوانند، با یکدیگربه بغل خوابی و جماع بپردازند.

بنابراین هر خرد و منطقی پذیرش می کند که ازدواج یک پدیده اجتماعی است نه دینی. هرگاه قرار بود، عمل ازدواج یک پدیده دینی به شمار رود، آن وقت پیروان هر دینی، ثمره های ازدواج خود را شرعی و مشروع و ثمره های ازدواج سایر ادیان را غیر شرعی و نامشروع به شمار می اورند و این امر سبب ایجاد شکاف و اختلاف پایه ای و دائمی بین پیروان مذاهب گوناگون و مشروعیت وجود آنها میشد. تردید نیست که اگر هدف عبارت « عقد اسلامی» لزوم ذکر واژه های زشت و رکیکی باشد که در هنگام خطبه پیمان زناشویی بوسیله ملاها خوانده می شود، بدیهی است که حتی هر مسلمان مومنی راضی خواهد شد دست کم در هنگام زناشویی، خطبه ازدواج او از ذکر واژه های رکیک، نازیبا و غیر ادبی یاد شده، خالی و پاک باشد.

درفـــش کـاویـــانی

http://derafsh-kaviyani.com/women/

derafsh-kaviyani.com